

## نوآوری‌های آیت الله معرفت در حوزه دانش‌های قرآنی\*

زهرا اخوان صراف\*\*

### چکیده

آیت‌الله محمدهادی معرفت (م ۱۳۸۵ش) قرآن‌شناس برجسته هم‌روزگار ماست که دیدگاه‌ها و روش‌های ممتاز وی در علوم قرآنی و تفسیر، تأثیری شگرف بر آینده مطالعات این عرصه دارد. اصل توجه یک فقیه و اصولی ممتاز به دانش‌های قرآنی سرچشمه برکات فراوان است، به‌ویژه آنکه وی در هر زمینه‌ای وارد شده به نوعی نوآور است. منظور از نوآوری به طور عام امتیازات مطالعات و افادات قرآنی ایشان هم در روش و هم در محتواست. نوشتار حاضر ابتدا امتیازات روشی و سلوک علمی ایشان را بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که ایشان در هر موضوع علمی اندیشه‌های جالب توجه را به میدان بحث می‌آورد و برای کشف اصل مشترک دیدگاه‌های مختلف و ایجاد توفیق و پرهیز از شعبه‌پنداری و تفرق تلاش می‌نمود، به رویدادهای علمی در روزگار خود بسیار حساس بود و با شبهه‌ها برخوردی بصیرت آمیخته، علمی و دقیق داشت، میان علوم قرآنی و دیگر دانش‌ها پیوند زد و براین باور بود که هر کسی به میزانی که رسوخ در علم دارد می‌تواند به عرصه فهم قرآن وارد شود. این نوشتار آنگاه به برجستگی‌ها و نوآوری‌های محتوایی وی در حوزه تفسیر و علوم قرآن می‌پردازد که شامل آرای ایشان در اعجاز، نزول و جمع قرآن، حفظ قرآن از تحریف، روایات تحریف، وجود لحن در قرآن، زبان قرآن، قصص قرآنی، روایات تفسیری، تأویل و بطن قرآن، ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه است.

واژگان کلیدی: قرآن، محمد هادی معرفت، علوم قرآنی، تفسیر، نوآوری.

---

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۲۵ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۷/۳۰.  
\*\* استادیار دانشگاه مفید قم: akhavan\_qom@yahoo.com

## مقدمه

استاد آیت الله محمد هادی معرفت از انگشت شمار فقیهان قرآن پژوه عصر حاضر است که با مبانی دقیق اصولی و سرمایه غنی دانش فقهی اش در کتاب خدا و شئون مربوط به آن دقت کرد و آن را از جنبه‌های مختلف بررسی کرد. به ادعاهای مختلف در مورد آن حساس شد و غبار ابهام از چهره بسیاری مباحث زدود. برای پاره‌ای از معضلات این حوزه طرح‌هایی نو پیشنهاد کرد و از همه مهم‌تر در گشایش پیچیدگی‌ها و زدودن پیرایه‌ها از آن سرمایه گذاری کرد. خصلت بارزش افزون بر وسعت دانشمندی و عمق روشمندیش، درد سوختگی و اخلاق مداری در این عرصه بود. وی در هر حوزه‌ای از شئون بیرونی مربوط به قرآن که پای نهاد، دیدگاه‌هایی راهگشا عرضه کرد و بر واقعیاتی دیده‌گشا انگشت نهاد.

او نه تنها در این عرصه در میان قرآن پژوهان شیعه پیشتاز است؛ بلکه تقریباً در همه عرصه‌های ورود خود به نوعی نوآور است. ارائه این نوآوری‌ها به‌خصوص از سوی آنان که از نزدیک محضر او را درک کرده، با وی در طی این مسیر فکری همکلام بودند، برای نسل حاضر و آتیه دانش‌های قرآنی بسیار تأثیرگذار است.

در نوشتار حاضر، نگارنده کوشیده است چکیده‌ای از این نوآوری‌ها در دو بخش روشی و محتوایی به قلم آورد. آثار مشابه این اثر عموماً چنین رویکرد دوجانبه‌ای ندارند. محدودیت حجم، افزون بر اینکه این نوشتار را در غالب عنوان‌ها بیش از اندازه فشرده کرده، باعث شده از عناوین و موضوعاتی مهم چشم‌پوشی شود، اما تلاش شده آینه‌ای از تازه‌های روشی و محتوایی آن بزرگوار تقدیم گردد. نوآوری ویژگی مشترک مطالب ارائه شده است؛ هر چند برخی از این مطالب به بیانی دیگر و از سوی دیگرانی غیر از آیت الله معرفت عرضه شده باشد. اما قدر مسلم در بسیاری از این موارد او پیشتاز است؛ در ذیل به برخی از این برجستگی‌ها و نوآوری‌ها پرداخته خواهد شد.

## امتیازات روشی و سلوک علمی

منهج علمی آیت الله معرفت از امتیازاتی برخوردار است که عصاره آن را می‌توان روح انصاف و بصیرت دانست. در ذیل به بعضی از این امتیازات اشاره می‌شود؛ هرچند در این قسمت، نظر به اصطیاد نوآوری‌ها و امتیازات روشی است، به بخشی از نوپردازی‌ها و دیدگاه‌های خاص ایشان در دانش‌های قرآنی از حیث محتوا نیز پرداخته می‌شود.

## ۱. وسعت و عدم تعصب در مراجعه به مصادر

برای ایشان همه مصادر اهل اسلام، منابع علوم قرآنی و تفسیر بودند؛ به همین دلیل، ایشان به عدم تجاوز از مصادر طائفه اثنی عشریان تعصب نداشت. تمامی مباحث «التمهید» گواه بر این مطلب است. نیز در تفسیر جامع اثری روش ایشان آن است که روایتی که نسبت به آیه ابهام‌زدا و معرفت افزا باشد اما از حیث صدور موثوق نباشد، به محکومات کتاب، سنت و حجت عقول عرضه می‌شود و در این باره بین روایات شیعه و سنی فرقی نمی‌بیند. وی بعد از احادیث پیامبر ﷺ نوبت را به احادیث صحابه و تابعین می‌دهد و می‌گوید: «فی مقدمتهم العترة الطاهرة الذين كانوا هم المراجع لفهم معانى القرآن بعد جدّم الرسول» (معرفت، التفسیر الأثری الجامع، ۱۳۸۳: ۱ / ۲۴۸).

## ۲. بصیرت و سماحت با مخالفان از جمله مستشرقان

او هرچند به پدیده استشراق<sup>[۱]</sup> نگاهی مثبت نداشت و برای نوع این فعالیت‌ها انگیزه‌های استعماری، فرهنگی، سیاسی با هدف ضربه زدن به اسلام، هواداری از مسیحیان در برابر خطر گسترش اسلام یا فاصله انداختن بین آنها و حقایق اسلام، تلاش برای مسیحی کردن مسلمانان یا سست کردن عقاید آنها برمی‌شمرد (معرفت، شبهات و ردود حول القرآن الکریم، ۱۴۲۳: ۸)، نسبت به فرد فرد این محققان و مؤلفان - صرف‌نظر از اهداف و انگیزه‌های کلان پشت پرده - یادکردی مهرآمیز و پرمساحت داشت و می‌گفت: کسی که در فضای بدون تعلق می‌اندیشد طبیعی است که با بسیاری از ابهامات مواجه شود و بر مسائل زیادی خرده بگیرد. حتی اگر مغرض نباشد و در انتخاب و استفاده از منابع و اطلاعات نیز به خطا نرفته باشد، در چینش و تلفیق و استنباط و استنتاج به نتایجی مطابق آنچه شخص ملتزم و معتقد به آنها می‌رسد، دست نیابد.

## ۳. تلاش برای کشف اصل مشترک دیدگاه‌ها و ایجاد توفیق و پرهیز از شعبه‌پنداری و تفرق

آیت الله معرفت می‌کوشید تا آنجا که ممکن است با مخالف، وجه مشترک پیدا کند، آن را پر رنگ نماید؛ مثلاً با دفاع از اخباریان و سعی در ارائه اندیشه ایشان به صورتی مقبول، اتهام لُغزپنداری متن و حیانی را از دامان دانشمندان مذهب می‌زداید. وی می‌فرمود: «در دوران متأخر به فقهای اخباری نسبت داده شده که حجیت ظواهر قرآن را قبول ندارند و استناد به قرآن و

استنباط احکام از آن را نادرست می‌شمرند. این نسبت اساساً نادرست است؛ زیرا حتی یک نفر از فقهای یاد شده نه در گذشته و نه در حال، چنین نظری نداشته و هیچ اثری از چنین مبنایی در مبانی فقهی و استدلال آنان به چشم نمی‌خورد، بلکه عکس آن دیده می‌شود» (معرفت، تفسیر و مفسران، ۱۳۷۹: ۱/ ۸۹). با بررسی و استشهاد دقیق به کلام ملا محمد امین در «الفوائد المدنیة» و شیخ یوسف در «الدرر النجفیة» و شیخ حرعاملی در «الفوائد الطوسیة» و جزائری در «منبع الحیاه» جوهر حرف اخباریان را عدم جواز تمسک به ظاهر قرآن، مادامی که به احادیث رسیده از پیامبر ﷺ و جانشینان وی مراجعه نشده، می‌دانست و می‌فرمود: این نکته‌ای درست و انکارناپذیر است (همان، ۱/ ۹۲)؛ مثلاً استرآبادی می‌گوید:

«دلیل دوم، حدیث ثقلین است که نزد شیعه و سنی متواتر است. معنای حدیث مذکور این است که باید به کلام ائمه ﷺ تمسک جست تا مصداق حدیث ثقلین تحقق یابد. سرّ مطلب در این است که هیچ راهی برای فهم مقصود خداوند در قرآن<sup>[۲]</sup> جز از طریق اهل بیت ﷺ وجود ندارد؛ زیرا تنها اینان نسبت به ناسخ و منسوخ آیات، اطلاق و تقيید و مؤول و غیر مؤول آن شناخت دارند و خداوند علم مربوط به این امور را تنها به پیامبر و اهل بیت ﷺ اختصاص داده است» (استرآبادی، الفوائد المدنیة، ۱۴۲۶: ۲۵۴).

چنانکه ملاحظه می‌شود، نه در کلام استرآبادی و نه در کلام اخباری‌های پس از او، اثری از کنار گذاشتن کتاب خدا در حوزه فقه و استنباط دیده نمی‌شود. آری، کتاب خدا را به صورت انفرادی و بدون در نظر گرفتن احادیث صحیح رسیده از ائمه ﷺ در مقام استنباط کافی نمی‌داند که البته سخنی درست است. او می‌گفت: «از این رو عدم جواز تمسک به ظاهر قرآن، مادامی که به احادیث رسیده از پیامبر و جانشینان وی مراجعه نشده، نکته‌ای درست و انکارناپذیر است؛ زیرا توضیح و تفصیل جزئیات احکام شرعی که در قرآن به صورت مجمل و مبهم ذکر شده، تنها در سخنان آن بزرگواران یافت می‌شود» (معرفت، تفسیر و مفسران، ۱۳۷۹: ۱/ ۹۲).

ایشان در این دفاع، جانب انصاف را از دست نمی‌داد و آنجا که در بحث تحریف قرآن رأی همین اخباریان - مثل محدث نوری و استادش نعمت الله جزائری - را مخالف واقع می‌پنداشت، انتقادهایی شدید را با تعبیری تند، متوجه ایشان می‌ساخت و نوری را ساده

اندیشی می‌دانست که تعصب و کثرت حرص به اثبات ولایت کورش کرده است. در جواب این اعتراض هم که او محدث اعظم و جلیل بوده است، گویا حرفشان این بود دو نفر را متهم و ساقط می‌کنیم و در عوض، مذهب را از اتهام می‌پیراییم.

#### ۴. استیعاب دیدگاه‌های مخالف

آیت الله معرفت از معدود دانشورانی است که در حوزه کاری و علمی خود، کسی را نادیده نمی‌گیرد. حتی آنچه هر یک از معاصران در حوزه علوم قرآنی عرضه کرده‌اند، ملاحظه نموده و نسبت به آن موضع می‌گیرد و از مهجورترین و بدنام‌ترین اشخاص و گروه‌های هم‌روزگار خود هم چشم نمی‌پوشد. برای نمونه به موارد ذیل توجه می‌شود.

#### الف) توجه به دیدگاه و روش مهندس بازرگان

وی در کتاب «تفسیر و مفسران» در بیان روش تفسیر بر حسب ترتیب نزول به معرفی تفسیر مهندس مهدی بازرگان به عنوان مثالی از این نوع تفسیر می‌پردازد و می‌گوید: «تفسیر مهندس بازرگان - پا به پای وحی - بر اساس سیر نزول نه تنها سوره‌ها بلکه به ترتیب نزول آیات است و این ترتیب با استفاده از اسناد تاریخی، گروه‌بندی‌های آماری و سبک‌شناسی به روش ریاضی و تهیه جدول‌هایی از آیات قرآن به دست آمده است» (همان، ۵۲۲/۲). سپس بعد از معرفی کتاب و تشریح روش کار مفسر در آن، با وجود اینکه به روش مفسر بسیار اشکال دارد، به ارزش تلاش مفسر در این تفسیر این‌گونه اعتراف می‌کند: «نوع کار با ارزش است و شناخت موقعیت و شرایط نزول هر آیه، کمک مؤثری در فهم محتوای آیه و پی‌بردن به اهداف و مقاصد عالیه آن است، اما این شناخت با رجوع به اسباب النزول - که از طریق صحیح و معتبر رسیده باشد - به دست می‌آید و نیاز به ترسیم منحنی‌های فرضی نیست» (همان، ۵۲۵/۲).

#### ب) بیان و نقد دیدگاه‌های قرآنی آیت الله طالقانی

ایشان رأی آیت الله طالقانی در مورد محکم و متشابه را نقل، نقد و نظر خود را در مورد آن بیان کرده است:

مرحوم طالقانی برای قرآن دو حالت پیش از نزول و پس از نزول فرض می‌کند. حالت پیش از نزول را محکم و حالت پس از نزول را متشابه می‌داند. آن کتاب محکم پیش از نزول

ام‌الکتاب است که برتر از حواس و اندیشه‌هاست و به زبان عربی هم نیست و در ظروف اندیشه‌های گوناگون و زمان‌ها و مکان‌ها و شرایط و استعدادها، به صورت کلمات و آیات متفرق و تفصیل‌ها تبیین گردیده و قرائت شده است. پس این آیات مفصل و تنزل یافته همان محکمت و ام‌الکتاب است که در لباس عبارات و کلمات در آمده و متشابه گردیده است: «اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا» متشابهات تنها همین نیست که تشابه در مقصود و معنا داشته باشد، بلکه متشابه از جهت تشابه با محکمت هم هست. استاد معرفت در نقد این بیان می‌گوید:

«در کلام ایشان تشابه شبه‌انگیز و فتنه‌آفرین، با تشابه به معنای هم‌آهنگ و یکسان بودن مشتبه شده است. خلط کردن میان این دو مفهوم شایسته نیست، بلکه یک نوع تفسیر به رأی به شمار می‌رود. نیز روشن نیست چرا فرض دو مرحله‌ای بودن نزول قرآن - دفعی و تدریجی - را در مورد محکم و متشابه آورده‌اند. در «مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ، هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ، وَ أُخْرُ مُتَشَابِهَاتٌ» مقصود همین قرآن موجود است که بر دو بخش تقسیم شده است، اما بنابر اینکه ایشان کل قرآن را در دو مرحله فرض کرده، چگونه مردم به مرحله علیا دست‌یابند؟! در حالی که از نزدیک شدن به متشابه (مرحله سفلی) ممنوع می‌باشند» (معرفت، علوم قرآنی، ۱۳۷۹: ۱۵۰ و ۱۵۱).

### ج) طرح و نقد دیدگاه‌های مجاهدین خلق ایران (منافقین)

ایشان نظر مجاهدان خلق ایران در مورد آیات محکم و متشابه را نیز بیان می‌کرد و می‌گفت از نظر آنها محکمت اصول اساسی و دیدگاه‌های کلی مکتب را بیان می‌کنند و مانند حقایقی ثابت و پایدارند؛ مانند اصل هدایت و متشابهات خود اصل نیستند اما منبعث از اصول‌اند. پس ثابت و پایدار نیستند. متشابهات در حوزه علوم واقع شده‌اند و پیشرفت علوم طبیعی، سیاسی و اقتصادی باعث قبض و بسط آنها می‌گردد. بنابراین، تمامی آیات الاحکام اعم از ناسخ و منسوخ جزء متشابهات هستند و نقش تاکتیکی و مرحله‌ای دارند، لذا هم‌چنان باب نسخ در احکام قرآن باز است (همان).

آیت الله معرفت پس از طرح نظر مجاهدان خلق به نقد آن پرداخته‌است (همان). او از حیث دیدگاه‌های قرآنی با وجود نوآور بودن در زمره نواندیشان نبود. با وجود این، مواجهه‌اش با نواندیشان دینی مثل دکتر سروش، مقصود فراستخواه و دیگران رأفت‌آمیخته، خیرخواهانه و

سرشار از احترام و عطف بود. این امر در آن سال‌های مرتدپنداری و توطئه‌بینی بسیار طرفه بود. کلاس‌های درس او نمونه‌های فراوان از پرداخت به دیدگاه‌های حتی دست دوم و کم اهمیت‌تر در اوج سماحت اخلاقی بود.

## ۲-۵. توجه حداکثری به ضرورت‌های علمی متأخر و معاصر و موضع‌گیری در برابر آنها

وی به اتفاقات علمی در روزگار خود بسیار حساس بود و وظیفه خود می‌دانست. رویدادهای مهم علمی را طرح و در مقابل آن اعلام موضع می‌کند.

هر رخداد قرآنی وی را حساس می‌کرد. او دانشمندی پرواکنش و زود اقدام بود. توجه درخور وی به دیدگاه‌های نوپدید قرآن پژوهان معاصر در داخل و خارج مذهب شاهد این مدعاست. او به تفصیل از اندیشه‌های عائشه بنت الشاطی مثلاً در امروزی نبودن تحدی قرآن، اندیشه «التصویر الفنی فی القرآن الکریم» که توسط پاره‌ای قرآن پژوهان مصری و دیگران ارائه شده و به مجموعه جهات هنری قرآن نظر دارد، «الفکر الاسلامی الحدیث» که توسط بعضی از متأخران و معاصران مطرح شده و پاره‌ای حکایات قرآن را غیر واقع و از قبیل داستان‌های فولکلوریک می‌داند و ده‌ها اندیشه نوپدید دیگر موضع می‌گرفت. اتهام سلفیان متأخر و تشدید طعن ایشان نسبت به شیعه در قضیه تحریف قرآن وی را به واکنشی بسیار وسیع و عمیق و پردامنه در نفی تحریف کشاند که نتیجه آن کتاب ارزشمند «صیانة القرآن عن التحریف» بود.

بعضی تاریخ تفسیرنگاران اهل سنت، مفسران شیعه را متهم کرده‌اند که شیعه اساساً تفسیر ندارد و تلاش آنها در این راستا نوعاً تأویل است. مفسران شیعه می‌خواهند هر حقیقت قرآنی را با عدول از ظاهر آن به نوعی به امامان خود مربوط کنند و آن را در اثبات ایشان و حقانیتشان به کار گیرند. این ایده آیت‌الله معرفت را برآن داشت که بر ظاهری بودن تفسیر شیعه اصرار ورزد و نشان دهد در مواردی که شیعه خاص‌ترین ایده‌ها را دارد، فرآیند تفسیر وی، نفی ظواهر قرآن نیست. او به آرای اختصاصی شیعه در آیات موهم شبهه تجسیم خداوند یا آیات موهم ارتکاب معصیت و خطا توسط انبیای الهی سامان داد و در تنزیه تک تک پیامبران مورد شبهه با دقت‌های علمی به نکاتی بدیع دست یافت. بخش عمده کتاب «التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب» و کتاب «تفسیر و مفسران» فارسی - که آن را تألیف مستقلی می‌دانست که از اثر عربی او بهتر و دقیق‌تر است - واکنش به «التفسیر و المفسرون» ذهبی (۱۹۷۷م) برای رفع اتهام پیش‌گفته از تفسیر شیعی و بی‌مهری‌ها به آن است.

## ۲-۶. پیوند زدن میان علوم قرآنی و دانش‌های دیگر

آیت الله معرفت در حوزه علوم قرآنی پژوهش می‌کرد و قلم می‌زد، اما آنگاه که ضرورت می‌دید در آثارش از این حوزه بسیار فراتر رفته، به شکل مبسوط به حوزه‌هایی چون فقه و کلام دست می‌انداخت؛ مثلاً در بحث قرائات به جنبه علوم قرآنی قضیه بسنده نکرد و رسماً وارد فقه پژوهی شد. مطالب وی در بحث اذن و استطاعت که به مناسبت تأویل متشابهات مطرح می‌کند، افاداتی عمیقاً کلامی است که به برخی از آنان اشاره می‌شود.

### یک) حجیت قرائات

آیت الله معرفت بر مسئله تواتر قرائت‌های هفتگانه یا بیشتر قرآن به روش علمی، خط بطلان کشید و اسانید آنها را «اجازات از شیوخ» دانست. ایشان قرآن را در واقع «واحد نزل من عند الواحد» می‌دانست و در حکم تنها قرائت‌هایی را معتبر می‌شمرد که با سند معتبر اثبات شود که در عصر معصومان علیهم‌السلام رایج بوده‌اند. او در این باره بین شایستگی قرائت برای نماز و احتجاج تفکیک قائل نشد.

وی در این بحث با آنکه بحثی مربوط به علوم قرآن است، به تفصیل وارد بررسی دیدگاه‌های فقها می‌شود. پرسش این بود که آیا قرائات سبع دارای حجیت و ارزش و اعتبار هست و نمازگزار می‌تواند یکی از این قرائت‌ها را انتخاب کند؟ او با بحثی مبسوط چنین آشکار کرد:

- بیشتر فقها مثل سید محمد کاظم یزدی احتیاط را در عدم تجاوز از قرائات هفتگانه می‌دانند؛ هر چند فتوایشان این است که نماز با هر قرائت صحیحی، مجزی است اگرچه از قرائات سبع نباشد؛

- برخی از فقها مثل مرحوم حکیم و خوبی نماز به قرائات متداول عصر ائمه علیهم‌السلام را - از باب جمع بین دو دسته روایتی که قرآن را واحد نازل شده از نزد واحد می‌دانند و آنها که می‌گویند اقرأ كما یقرأ الناس - جایز دانسته‌اند.

آنگاه تبیین کرد که از نظر خود او قرآن واحد نازل من عند واحد است و اختلاف مربوط به قاریان است. «الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَائِ عَنِ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: إِنَّ الْقُرْآنَ وَاحِدٌ نَزَلَ مِنْ عِنْدِ وَاحِدٍ وَلَكِنَّ



الْاِخْتِلَافَ يَجِيءُ مِنْ قِبَلِ الرُّوَاةِ» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۲/ ۶۳۰). اما با وجود این واقعیت، معصومان علیهم‌السلام به مصالحی رخصت داده‌اند که قرآن و نماز به قرائت‌هایی که مردم می‌خوانند، خوانده شود. «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ عَنْ سَالِمِ بْنِ سَلَمَةَ قَالَ: قَرَأَ رَجُلٌ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام وَ أَنَا أَسْتَمِعُ حُرُوفاً مِنَ الْقُرْآنِ لَيْسَ عَلَى مَا يَقْرَأُهَا النَّاسُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع كُفَّ عَنْ هَذِهِ الْقِرَاءَةِ اقْرَأْ كَمَا يَقْرَأُ النَّاسُ حَتَّى يَقُومَ الْقَائِمُ عليه‌السلام» (همان، ۲/ ۶۳۳). این قرائت‌ها باید در زمان ائمه علیهم‌السلام مشهور بوده باشند و این امر بایستی با سند صحیح به ما برسد. از آنجا که از میان قرائت‌های موجود تنها یک قرائت - یعنی روایت حفص از عاصم - این صفات را دارد، پس تنها قرائت مجاز همان است هرچند اگر قرائت دیگری با این صفات به ما برسد، آن هم مجزی است. حدیث احرف سبعة را نیز علاوه بر خدشه‌های سندی و متنی، بیگانه با مقام و مربوط به اختلاف لهجات دانست (معرفت، علوم قرآنی، ۱۳۷۹: ۲۱-۷۲).

#### دو اذن و استطاعت، کلید حل معمای نقش باری تعالی در افعال اختیاری انسان

تبیین عمیق مسئله اذن و استطاعت در تبیین آیات متشابهی که موهم شبهه جبر است، نمونه‌ای از ورود مبسوط وی به بحث‌های کلامی است. وی بیان می‌کند که علت انتساب افعال اختیاری به بندگان این است که آنان به اختیار و قصد خود، شرایط پیدایش آن را پدید می‌آورند؛ به همین دلیل، پیامدها و آثار رفتار اختیاری به عهده انجام‌دهنده آن است. - علت انتساب افعال به خداوند این است که همه نیروهای مؤثر در پیدایش و آفرینش اشیاء، آفریده خدا و مقدر به قدرت اوست و اوست که این خواص را در آنها به ودیعت نهاده است، به گونه‌ای که وقتی به یکدیگر نزدیک و با هم جمع شوند، اثر خود را در پیدایش و آفرینش به جا می‌گذارند. این نیروها در تأثیرات پیاپی در طول پیدایش خود از فیوض پیاپی خدای متعال بهره می‌گیرند؛ مثلاً در قضیه اسماعیل خاصیت بریدن را از کارد و خاصیت بریده شده را از گلوی اسماعیل سلب کرد؛ یعنی آن دو را در این خاصیت یاری نکرد و به همین دلیل سربریدن انجام نگرفت. چکیده سخن آنکه آنچه در جهان هستی پدید می‌آید، بر اثر فعل و انفعالات نیروهایی است که نزدیک کردن این نیروها با هم برای فعل و انفعالات بین آنهاست (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۴۱۵: ۳/ ۱۵۵-۱۸۵).

## ۷-۲. عمومی کردن تفسیر و تدبر در قرآن

آیت الله معرفت معصومان علیه السلام را قله‌های قرآن فهمی و راه فهم آن را برای همگان باز می‌دانست. تفاسیر مفسران در چارچوب قواعد را تفسیر به رأی نمی‌دانست و معتبر می‌شمرد. حتی تلاش برای تأویل متشابهات را نیز انحصاری معصومان نمی‌دانست و معتقد بود هر کسی به میزانی که «رسوخ در علم» دارد، می‌تواند به این عرصه وارد شود. از جمله راه‌حل‌های علمی که برای تأویل پیشنهاد می‌کرد:

### یک) تقریر خاص از تفسیر به رأی

از نظر ایشان اگر تفسیر و بیانی از معصومان علیه السلام در خصوص آیه‌ای موجود نباشد، تفسیر آن - به دلیل تفسیر به رأی بودن - ناروا نیست و با جداکردن حساب تفسیر به رأی مذموم از غیر آن، نشان می‌دهد تفسیر به رأی مورد نکوهش روایات به یکی از دو صورت است: اینکه مفسر با یک رأی سراغ قرآن برود و از قرآن بر اساس آن رأی برداشت کند یا ایده خود را به قرآن تحمیل کند. صورت دیگر اینکه شخص بدون داشتن شرایط و برخورداری از علوم و فنونی که مفسر به آن نیازمند است، به برداشت از قرآن اقدام نماید (معرفت، تفسیر و مفسران، ۱۳۷۹: ۱/ ۶۰-۸۳).

### دو) ضابطه‌مند کردن رسیدن به بطون قرآن

وی در بحث بطون قرآن، بعد از بررسی معانی مختلف تأویل، خود تأویل آیات را بطون آنها می‌دانست که مدلول‌های التزامی آیات به لزوم غیر بین‌اند. او تعبدی بودن بطون را نمی‌پذیرفت و دستیابی به تأویل آیات را با تکیه بر شیوه‌های علمی برای اهل فن ممکن می‌دانست. با این بیان که آیات قرآن حامل پیام‌ها و معانی عامی هستند که اگر آیه را از خصوصیات زمان و مکان و مورد نزول تجرید کنیم، این پیام عام که برای تمام عصرها و نسل‌ها قابل استفاده است، رخ می‌نماید. او برای دستیابی به پیام عام، شیوه‌ای دقیق و علمی با کمک برهان سبر و تقسیم منطقی عرضه کرد<sup>۱۳</sup> و این شیوه را با نمونه‌هایی متعدد آزمود. از نظر او اگرچه معصومان علیه السلام برجسته‌ترین مصادیق راسخان در علم و عالمان به تأویلند، تأویل‌هایی که ایشان ارائه کرده‌اند، در واقع، یاد دادن تأویل به دیگران بوده است و راه برای دریافت آن برای کسی که مقدمات نزدش فراهم باشد، باز است. اگرچه همراهی با این ایده در حد ادله و شواهدی که وی ارائه کرد، با نمونه‌های محدودی که عرضه نمود، دشوار به نظر می‌رسد (معرفت، تلخیص التمهید، ۱۴۱۷: ۱/ ۴۸۰-۴۹۲).

## ۲-۸. مواجهه با شبهه

سه قسم برخورد با شبهه‌کننده، به ویژه محققان درون‌دینی، می‌توان تصور کرد: برخورد تکفیرآمیز و مرتدپنداری؛ مواجهه تحقیرآمیز و برخورد متین و مبتنی بر استدلال در فضای ادب و رأفت علمی. از این میان وی قسم سوم را می‌پسندید و معتقد بود شیوه معمول اهل بیت (علیهم‌السلام) در احتجاجات خود با دیگران روش سوم و از نوع «ارائه طریق» بوده است. ایشان زمینه‌های ایجاد شبهه را به دو گروه داخلی و خارجی تقسیم می‌کرد:

الف) زمینه‌های خارجی مثل دیدگاه‌های خاورپژوهان که قرآن را به عنوان وحی آسمانی باور ندارند و آن را برخاسته از هوش و نبوغ و روشن‌اندیشی و سایر ویژگی‌های برجسته پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌دانند. لذا دلیل تضادهای خیالی قرآن با تاریخ یا علم یا ناهماهنگی‌های توهمی درونی آن را اشتباه ایشان تصور می‌کنند که اگر وحی الهی بود بایستی از اشتباهات خالی می‌بود.

ب) زمینه‌های داخلی که به دلیل همگام نبودن برداشت‌های مفسران از قرآن با روند پیشرفت علوم جدید آمده است (معرفت، شبهات و ردود حول القرآن الکریم، ۱۴۲۳: ۵ و ۴). در یک نگاه بسیار اجمالی می‌توان محورهای این شبهات را که وی به تفصیل در کتاب «شبهات و ردود» به آنها پرداخت است، به این صورت خلاصه کرد:

۱- شبهات مربوط به خود قرآن که شامل این محورهای فرعی می‌شود: مصدر قرآن، نص قرآن، جمع قرآن، شکل و مضمون قرآن، قرائات قرآن، اسلوب قرآن و اعجاز آن.

۲- شبهات مربوط به تفسیر قرآن که مشتمل بر محورهای فرعی ذیل می‌باشد: تفسیر مأثور (نقلی)، تفسیر به رأی و برداشت‌های فرقه‌ای خاص مثل متصوفه که در زبان شبهه‌کنندگان اسم تفسیر گرفته‌اند، حال آنکه در واقع تطبیق قرآن بر عقاید خاص برای مقاصد معین است.

آیت الله معرفت در تمامی این عرصه‌ها چه از نوع کهن (مانند آنچه در آثار فخر رازی و عبدالجبار معتزلی دیده می‌شود) و چه از نوع جدیدشان (همچون تشکیک در وحیانی بودن ساختار قرآن و ترکیب کلامی لفظ آن) به صورتی مشروح وارد شده و با پرداختن به تحقیقاتی گاه بسیار پرنج و دشوار، ابعاد مسئله را روشن کرده و پاسخ گفته است. از نظر منبع، نگاه وی به طور قابل توجهی به شبهات مطرح شده در کتاب «آراء المستشرقین حول القرآن الکریم» نوشته عمر ابراهیم رضوان و نیز بیان امروزی‌تر آنها در اینترنت بوده است. نوآوری‌ها و افادات ممتاز وی در حوزه شبهات در شش محور ذیل است:

- ۱- تأثیرپذیری از کتب پیشین و اسطوره‌ها؛
- ۲- توهّم تعارض با عقل و تاریخ؛
- ۳- توهّم تعارض قرآن با قواعد ادبی؛
- ۴- توهّم تأثیرپذیری از فرهنگ زمانه؛
- ۵- توهّم راه‌یابی خرافات به قرآن؛
- ۶- انگاره تخالف درونی.

### برجستگی‌ها و نوآوری‌های محتوایی

آیت‌الله معرفت در اصل طرح و نیز اهمیت علوم قرآنی به عنوان مجموعه‌ای از دانش‌ها که قرآن را به عنوان یک کل وحیانی مطالعه می‌کند و در امور مربوط به پذیرش و فهم و برداشت از آن دقیق می‌شود، آرای گران سنگ و نوپردازی‌های متعدد داشت. در ذیل از برخی از آنها سخن می‌رود:

#### ۱. اعجاز قرآن

استاد معرفت بر این ایده برخی دانشمندان معاصر که «اعجاز قرآن باید حس شود نه اینکه بر آن استدلال شود» پای فشرده و کوشید با دقت در الفاظ و معانی آن از جنبه‌های گوناگون، امتیازات فرا بشری آن را برای همگان حسی کند. گفتنی است برخی قرآن‌پژوهان از زمان‌های دور تاکنون - عمدتاً برای دفاع از کرامت قرآن و به انگیزه‌های نیک برای پیشگیری از اینکه کسی هم‌اوردطلبی قرآن را پاسخ دهد - برخی ایده‌های تدافعی در خصوص اعجاز قرآن عرضه نموده‌اند. از آن جمله، قول به صرفه است که ناتوانی مخالفان در آوردن چیزی مانند قرآن را نه به دلیل وجود ویژگی در خود قرآن بلکه به دلیل تصرف خداوند در قوای شخص مخالف و در نتیجه منصرف و ناتوان کردن او از مانندآوری می‌داند. آیت‌الله معرفت به این قبیل تفکرات سخت واکنش نشان داد و کوشید نسبت این قول را به بعضی دانشمندان بزرگ مذهب توجیه کند<sup>[۴]</sup>. وی خوف دانشمندان پیش‌گفته را از اینکه کسی مثل قرآن را بیاورد نیز بیهوده دانست و نشان داد آنچه قرآن مدعی است کسی نمی‌تواند مثل آن را بیاورد، لفظ قرآن نیست، بلکه کلامی است که تمام ویژگی‌های این کتاب را با هم داشته باشد و همچون قرآن جمال لفظ را با فخامت معنا آمیخته باشد. جمع

ویژگی‌های لفظی و معنوی قرآن چیزی است که هرگز کسی نمی‌تواند مثل آن را عرضه کند (معرفت، علوم قرآنی، ۱۳۷۹: ۳/ ۲۰۳-۲۶۶).

## ۲. نزول قرآن

یکی از اشکالات مهم در حوزه مطالعات تاریخ قرآن این است که اگر بعثت پیامبر اکرم ﷺ را طبق روایات در ماه رجب و با نزول پنج آیه اول سوره علق بدانیم، با تصریح آیات و روایاتی که نزول قرآن را در شب قدر و در ماه رمضان می‌دانند، چه باید کرد؟ اگر تاریخ بعثت با تاریخ نزول قرآن متفاوت است، پیامبر در آن فاصله به چه چیز مبعوث بود. آیت الله معرفت نزول قرآن به عنوان کتاب آسمانی را سه سال بعد از آغاز وحی رسالی و بعثت پیامبر ﷺ که در بیست و هفتم ماه رجب، سیزده سال پیش از هجرت (۶۰۹ م.) رخ داده بود، می‌دانست. در این سه سال که آن را فترت می‌خوانند، پیامبر دعوت خود را سری انجام می‌داد تا آیه ﴿فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ﴾ نازل شد و دستور اعلان دعوت را دریافت کرد. بعد از آن قرآن به صورت تدریجی نازل گردید که بیست سال ادامه داشت. پس پیامبر اکرم سه سال بدون قرآن دعوت می‌کرد (معرفت، تاریخ قرآن، ۱۳۷۵: ۳۲).

## ۳. جمع قرآن

جمع و تدوین بشری کتاب خدا از سوی استاد معرفت پذیرفتنی نبود و در این باره تحلیل‌هایی عمیق ارائه نمود و معضلات تاریخی مبحث وحی و جمع قرآن را به سرانگشت ظرافت‌های علمی گشود و تفاوت مصحف امام علی علیه السلام با سایر مصاحف را علاوه بر قرائت سنددار معتبر و ترتیب نزول، در آراستگی به شرح آیات و بیان آنها - که در واقع حامل معارف قرآنی و فهم آن بود - دانست و از این رهگذر ابهامات تاریخی بسیاری را زدود (معرفت، تلخیص التمهید، ۱۴۱۷: ۱/ ۱۳۵-۱۸۵).

## ۴. حفظ قرآن از تحریف

از آنجا که اعتقاد به تحریف قرآن را اتهامی حساب شده از جانب دشمنان به پیروان مذهب تشیع می‌دانست، با واکاوی همه جانبه این مسئله از حد ریشه‌ها تا نتایج، اقسام پذیرفتنی تحریف را نشان داد و دلائل قائلان به تحریف را یک‌یکان بررسی کرد و کوشید این پیرایه عقیده به تحریف قرآن را از دامان تشیع بزدايد. از نظر او تحریف به کاستی هرگز

به قرآن راه نیافته است. از عقل و نقل و تاریخ برای این ادعا دلیل و شاهد آورد و اتهام را رد کرد. نظر دانشمندان بارز مذهب را گرد آورد و اتهام را به سوی مقابل برگرداند و نشان داد دیگران به تحریف قرآن قائل و تا امروز هم در فقه و احکام به آرائی پای بندند که مستلزم باور به تحریف است (معرفت، صیانة القرآن من التحریف، ۳۵-۷۳).

#### ۵. سامان دادن روایات تحریف

برجستگی تحقیقات آیت الله معرفت در موضوع تحریف قرآن، سامان دادن روایات تحریف است. نتیجه بررسی او در روایاتی که حاجی نوری در «فصل الخطاب» آورده، چنین است: نعمت الله جزایری ۲۰۰۰ روایت در تحریف قرآن ادعا کرده است. شاگرد او حاجی نوری از این تعداد ۱۱۲۲ روایت یافته است.

ایشان نشان داد که از این تعداد که در کتاب «فصل الخطاب» آمده، ۶۱ روایت دلالت عام بر تحریف دارد و ۱۰۶۱ مورد دلالتشان بر تحریف خاص و با بیان موضع تحریف است، اما ۸۱۵ مورد از این روایات با دلالت خاص، در اصول و کتب غیرمعتبر و بدون اسناد و مجهول و ساختگی نقل شده‌اند. ۱۰۷ مورد از ۳۰۷ مورد باقی مانده که این مشکل را ندارند نیز مربوط به اختلاف قرائات‌اند و مساسی به مسئله تحریف ندارند. از این میان ۲۰۰ روایت باقی می‌ماند که خود بر هفت نوع تقسیم می‌شوند:

۱. روایات تفسیری؛ ۲. روایات مربوط به قرائات منسوب به بعضی از ائمه علیهم‌السلام؛ ۳. احادیثی که در آنها لفظ تحریف آمده است؛ ۴. روایاتی که گمان کرده‌اند بر افتادن آیه یا جمله یا کلمه‌ای دلالت دارد؛ ۵. روایاتی که دلالت بر آنچه به آن استناد کرده‌اند، ندارد؛ ۶. روایاتی در مورد بر پا کردن خیمه‌های پشت کوفه بعد از قیام قائم علیه‌السلام؛ ۷. روایاتی در مورد فضائل اهل بیت علیهم‌السلام.
- بدینسان روایتی که دال بر زیاده و نقیصه در متن قرآن باشد و معتبر نیز باشد، باقی نمی‌ماند (همان، ۲۰۵-۲۴۳).

#### ۹۴ ۶. وجود لحن در قرآن و خطاهای رسم الخطی

ایشان برخلاف حساسیتی که به مضبوط بودن قرائت قرآن و راه نیافتن خطا و تحریف به آن نشان داد، در مورد نگارش قرآن - به دلیل غیر وحیانی و بشری بودن و فراهم آمدن توسط افرادی نوسواد و خطی نپخته - به حدود هفت هزار خطا اقرار کرد و خود شمار فراوانی از موارد

آن را گرد آورد و دلیل عدم اصلاح آن تا کنون را چنین تحلیل کرد که چون معصومان علیهم‌السلام و در رأس آنها امیر مؤمنان علیه‌السلام به حفظ مصحف موجود چنان که هست توصیه کرده‌اند، نایستی تغییری در آن داد. چون آن بزرگوران خواسته‌اند راه اعمال اغراض و سلیقه‌ها و ایجاد تغییرات دیگر را در قرآن ببندند (معرفت، تلخیص التمهید، ۱۴۱۷: ۱/ ۲۳۴-۲۴۸).

## ۷. زبان قرآن

استاد معرفت با تتبع و تدقیق در تمامی ایده‌های کهن و امروزی برای زبان قرآن با دلایل روشن نشان داد که زبان قرآن زبان عرف عام است و در عین حال زبانی سهل و ممتنع است؛ بین معانی متعدد جمع کرده؛ در کنار اقناع خواص، رعایت فهم عامه را نموده، میان ایجاز و ایفاء جمع کرده است و به دلیل تنگی قالب کلمات زبان عربی - که زبان مردمی فرهیخته نبود و بنابر این برای معانی بلند لفظ نداشت - به دامان کنایه و استعاره افتاده است (معرفت، تفسیر و مفسران، ۱۳۷۹: ۱/ ۹۷-۱۱۰).

## ۸. اصرار بر واقع نمونی قصص قرآنی

از نظر آیت الله معرفت قرآن در تمامی آیات خود واقع‌نمون است، بدین معنا که حتی در ورای تمثیل‌ها و قصه‌های آن واقعیتی موجود است. ایشان اساساً طرح رمزگونه بودن یا تمثیلی بودن زبان قرآن حتی در بخشی از آیات را نیز نپذیرفت و ثابت کرد حتی آنگاه که برای عبرت یا هر غرض هدایتی دیگری از تمثیل و قصه‌ای استفاده می‌کند، مبتنی بر یک واقعیت خارجی سخن می‌گوید و قصص قرآن به طور ویژه‌ای همگی پشتوانه تاریخی دارند. گفتنی است که بعضی از قرآن پژوهان معاصر، به گفته ایشان به انگیزه‌های خیرخواهانه و برای پیراستن ساحت این کتاب از پیرایه‌ها ایده‌ای نو نسبت به قصص قرآن با عنوان اندیشه اسلامی نوین (الفکر الاسلامیة الحدیثة یا العقل الاسلامی الحدیث ارائه کرده‌اند؛ با این بیان که گفته‌اند قصص قرآن از نوع «قصص شعبیه» یا ادبیات عامیانه و فولکلوریک است. آیت الله معرفت این اندیشه را که پذیرش و رد آن تأثیری شگرف در مطالعات و برداشت‌های قرآنی دارد، با جدیت رد کرد و با تلاش‌هایی طاقت‌فرسا برای اثبات واقع‌نمونی قصص قرآن گام‌هایی سودمند برداشت (معرفت، زبان تاریخی قرآن نمادین یا واقع‌نمون، پژوهش‌های قرآنی، ۱۳۸۲: ۳۵-۳۶ / ۱۸۳).

## ۹. روایات تفسیری

آیت الله معرفت به لزوم گردآوری و پالایش و سامان‌دهی روایات تفسیری موجود در منابع شیعی و سنی تأکید و دلبستگی ویژه داشت و چنین می‌اندیشید که تمام مشکلاتی که ظاهراً گریبان‌گیر روایات تفسیری است، بسیار سطحی است و شایسته است با دقت و امعان نظر این روایات تنقیح شوند و مسلمانان از دریای عظیم روایات تفسیری در برداشت‌های قرآنی خود بی‌بهره نمانند. تلاش ایشان در تدوین «تفسیر الاثری الجامع» حرکتی شایان توجه در این زمینه بود. بررسی این حرکت چنان که از مقدمه فخیمی که وی بر این اثر نگاشته (معرفت، تفسیر الاثری الجامع، ۱۳۸۳: ۱ / ۲۴۸-۱۱)، معلوم است و مجالی بسیار وسیع‌تر می‌طلبد.

وی در تفسیر قرآن توجه به سه امر را لازم دانست (همان، ۲۴۷ و ۲۴۸):

۱. تفسیر به کتاب خدا؛ ۲. تفسیر به روایات ماثور از سلف؛ ۳. تمحیص این روایات بر

اصول نقد نزیه.

معیار او در پذیرش و رد روایات تفسیری، معیار متنی است و اصل در آن بر پذیرش چیزی است که اطلاعات سودمندی درباره آیه بدهد مادامی که مانعی از پذیرش آن نباشد. اما آنگاه که مانع در میان بود یا روایت متشابه بود، باید به محک‌های کتاب و سنت و حجت عقول عرضه شود. وی این معیار را از روایتی که ابوالفتوح رازی در تفسیرش آورده است، الهام می‌گیرد. در این روایت از پیامبر نقل شده که چون روایتی از من به شما رسید، آن را بر کتاب خدا و حجت عقولتان عرضه کنید. اگر با آن دو موافق بود، آن را بپذیرید و اگر نبود، آن را به دیوار زنید - کنار گذارید - : «عن النبی ﷺ: إذا أتاكم عنی حدیث فاعرضوه علی کتاب الله و حجة عقولکم، فإن وافقهما فاقبلوه وإلا فاضربوا به عرض الجدار» (ابوالفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۱: ۳ / ۳۹۲).

## ۱۰. تأویل و بطن قرآن

از نظر استاد معرفت یکی از معانی تأویل، انتزاع مفهوم عام و گسترده از آیه‌ای است که در مورد خاصی نازل شده است. از تأویل به این معنا، گاهی به «بطن» یعنی معنای ثانوی و پوشیده‌ای که از ظاهر آیه به دست نمی‌آید، هم تعبیر شده است، در مقابل «ظهر» یعنی معنای اولیه‌ای که ظاهر آیه بر حسب وضع و کاربرد، آن معنا را می‌فهماند.



وی تأویل را از اقسام دلالت باطنی کلام و دلالتش را از نوع التزامی غیر بین می‌دانست، اما چون دلالت التزامی خود از اقسام دلالت لفظی است و تمام اقسام دلالت الفاظ ملاک‌هایی دارند، تأویل را هم نیازمند ملاک مشخصی می‌دانست تا از محدوده تفسیر به رأی خارج شود. وی دو ملاک برای تأویل بیان می‌کند:

یک - رعایت مناسبت و ارتباط تنگاتنگ بین معنای ظاهری و باطنی؛ چون تأویل مفهوم عام منتزَع از فحوای کلام است، ناگزیر در انتزاع این مفهوم عام باید مناسبت لفظی یا معنوی رعایت شود.

دو - رعایت نظم و دقت در کنار گذاشتن خصوصیات کلام مورد تأویل و تجرید آن از قراین خاصه تا حقیقت و مغز آن در قالب مفهوم عام آشکار شود. از این شرط در منطق به عنوان قانون «سبر و تقسیم» و در اصول با عنوان «تنقیح مناط» تعبیر می‌شود (معرفت، تفسیر و مفسران، ۱۳۷۹: ۱/ ۲۸-۳۳).

#### ۱۱. ناسخ و منسوخ

آیت الله معرفت با ارائه تعریفی دقیق از نسخ، شرایط آن را به دقت تبیین کرد و از این رهگذر این پدیده را تنها در شمار اندکی از آیات قرآن قابل بررسی دانست و در آن موارد هم با ارائه نظریه نسخ مشروط راه بسیاری از اشکالات را بست (معرفت، تلخیص التمهید، ۱۴۱۷: ۱/ ۴۱۶-۴۶۱). وی در طول سی سال به طور مدام ایده خود را تنقیح و تکمیل کرد و در نهایت اعلام کرد نسخ در قرآن نیست و شایسته است این بحث از پرونده مباحث قرآنی حذف شود؛ چرا که تمامی موارد مورد توهم نسخ قابل حمل بر وجوه دیگری هستند (معرفت، نسخ در قرآن، فصلنامه بینات، ۱۳۸۳: ۴۴/ ۹۹).

او در بازه‌ای که قائل به نسخ آیاتی محدود بود، نسخ را اینگونه تعریف کرد: «رفع تشریح سابق بتشریح لاحق کان یقتضی الدوام حسب ظاهره بحیث لایمکن اجتماعهما معا». از رهگذر این تعریف شرایط نسخ را استخراج کرد؛ مثلاً اینکه تنافی میان ناسخ و منسوخ باید کلی و از جمیع جهات باشد؛ لذا دو آیه به ظاهر متنافی که قابل جمع عرفی هستند، از این حوزه بیرون است.

بر تنبه به تفاوت اصلاح نسخ نزد قدما و مطرح در کلام معصومان (علیهم‌السلام) - که رفع هر گونه شمولی از حکم آیه است و تخصیص و تقیید را هم در بر می‌گیرد - و نسخ نزد متأخران که فقط رفع شمول ازمانی یا دوام حکم است و شامل رفع شمول افرادی یا احوالی نمی‌شود، پای فشرده.

از میان سه قسم متصور نسخ تلاوت و حکم، نسخ تلات دون حکم و نسخ حکم دون تلاوت، فقط قسم سوم را ممکن می‌دانست؛ چون دو قسم دیگر که نسخ تلاوت در آنها مطرح است، مستلزم قول به تحریف قرآن می‌شمرد و بردیدگاه برخی سنیان در نسخ تلاوت سخت خرده می‌گرفت.

وی از میان دیدگاه‌های مختلفی که نسبت به ناسخ و منسوخ وجود دارد، تنها نسخ قرآن به قرآن و نسخ به سنت متواتر یا خبر واحد معتبر علم آور را ممکن می‌دانست. او نسخ به آیات را فقط در صورتی ممکن می‌دانست که آیه ناسخ ناظر به آیه منسوخ باشد. در ادامه به دو نسخ اشاره می‌شود.

#### اول. نسخ مشروط

آیت الله معرفت با طرح آنچه خود فرضیه نسخ مشروط می‌نامید، زمینه را برای انکار کلی نسخ در قرآن کریم فراهم کرد. از نظر او هر یک از ناسخ و منسوخ وابسته به شرایط خاص و مصلحت متناسب با خود هستند. اگر شرایط و مصلحت حکم استمرار داشته باشد، حکم نیز پابرجا می‌ماند و هرگاه از بین برود، حکم نیز از بین می‌رود. اگر مصلحت و شرایط حکم دوباره زنده شود، حکم باز می‌گردد؛ مثلاً اگر مسلمانان فاقد توان مواجهه با دشمنان باشند، باید به آیات صفح و گذشت عمل کنند و با مشرکان مدارا نمایند و اگر دارای توان و قدرت کافی باشند، باید بر اساس آیات جهاد از هیچ تعرض دشمنان درنگذرند (معرفت، علوم قرآنی، ۱۳۷۹: ۱۹۷-۱۹۹).

#### دوم) نسخ تمهیدی

یکی دیگر از نوآوری‌های استاد در موضوع نسخ، نسخ تمهیدی یا تدریجی بود. او می‌گفت شارع مقدس برای مبارزه با برخی عادات غلط که بین مردم جا افتاده بود، ابتدا حکمی را هماهنگ با جامعه ترخیص می‌کند، سپس عقب‌نشینی می‌نماید و بنیان این عادت غلط را در جامعه فرو می‌ریزد. او برای این همراهی اولیه قرآن با برخی از عادات جاهلی و تصحیح تدریجی آن، آیه نشوز ﴿اللّٰحِقِ تَحَاوُنَ نُّشُوزِهِنَّ فَعَطْوِهِنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرِبُوهُنَّ﴾ (نساء / ۳۴) را مثال می‌زد و می‌گفت خداوند این آیه را نازل کرد تا عادت غلط زدن زن را به تدریج نسخ کند (معرفت، نسخ در قرآن، فصلنامه بینات، ۱۳۸۳: ۴۴ / ۱۰۵).

زدن زن امر متداولی بود و با نزول این آیه مردان گستاخ شده گمان کردند که برای زدن زنان مجوز شرعی هم دارند. زنان پیش پیامبر ﷺ اعتراض کردند و پیامبر ﷺ فرمودند: هیچ کس حق ندارد زنش را بزند و معنای آیه این است که زدن نه دردآور باشد و نه اثری بگذارد! و فرمود «خیرکم خیرکم لئسائه» و نیز از «ما نیست کسی که به زنش تعدی کند» و این گونه مردها تأویل واقعی آیه را فهمیدند (همان).

## ۱۲. محکم و متشابه

### یک - بازشناسی «متشابه»

ایشان در مبحث محکم و متشابه با طرح تشابه عرضی و تفکیک آن از تشابه ذاتی و اصلی، راه بر حل دشواری‌های بسیار گشود و نشان داد ریشه تشابه در بسیاری از آیات متشابه‌گون، دوری از عصر نزول و تطور واژگان و فرهنگ‌هاست (معرفت، تلخیص التمهید، ۱۴۱۷: ۱/ ۴۸۹-۴۶۲). آیت الله معرفت می‌گفت متشابه برحسب اصطلاح قرآنی لفظی است که در آن معانی مختلفی احتمال می‌رود و نیز سبب شک و شبهه می‌شود؛ لذا همچنان که صلاحیت تأویل به شکل صحیح را دارد، صلاحیت تأویل به شکل فاسد را نیز دارد (معرفت، التمهید، ۱۴۱۵: ۳/ ۶). اما تمام آیاتی که به عنوان آیات متشابه شناخته شده‌اند، از یک دست نیستند، بلکه برخی دارای تشابه اصلی و برخی دارای تشابه عرضی هستند. تشابه اصلی و طبیعی تشابهی است که به گونه‌ای طبیعی به دلیل کوتاهی لفظ و بلندای معنا به وجود آمده است، اما تشابه عرضی، تشابهی است که در آغاز اسلام وجود نداشته است؛ چون در آن زمان مسلمانان با سلامت طبع آیات را می‌فهمیدند و مراد خداوند را درک می‌کردند، اما پس از به وجود آمدن مباحث جدلی و مباحث کلامی و رواج مباحث فلسفی که جسته و گریخته و به گونه‌ای ناپخته و نارس از یونان به میان مسلمانان وارد شد، بر چهره برخی از آیات هاله‌ای از غبار ابهام و تشابه نمودار گشت (معرفت، علوم قرآنی، ۱۳۷۹: ۱۴۲-۱۵۳).

### دو - تمییز متشابهات از مبهمات

او به مجموعه آیات دسته‌ای دیگر با عنوان مبهمات را افزود و می‌گفت آیات مبهم نیاز به تفسیر دارند، اما آیات متشابه نیازمند تأویلند و رابطه بین این دو دسته آیات، عموم و خصوص من وجه است.

تعریف «ما لاینبیء ظاهره عن مراده»؛ «آنچه ظاهر آن مراد واقعی‌اش را ارائه ندهد» را برای متشابهات نارسا می‌دانست؛ چون این تعریف مبهمات را هم شامل می‌شود. اما متشابه باید افزون بر نارسایی و ابهام، مایه شبهه و اشتباه نیز باشد. و به همین دلیل، تعریف راغب اصفهانی از متشابه را بهتر می‌دانست: «والمتشابه من القرآن ما اشکل تفسیره لمشابهته بغيره»؛ یعنی متشابهات قرآن آن است که تفسیر آن مشکل آید، زیرا نمود آنچه هست را ندارد و به چیز دیگر شباهت دارد (همان، ۱۳۹).

### سه - تأویل آیات متشابه با رویکرد کلامی

استاد معرفت پژوهشی بسیار گسترده و جامع در بازکاوی مدلول‌های آیات متشابه و نقد دیدگاه‌های تفسیری فرق مختلف کلامی را - که عموماً با تفسیر به رأی همراه‌اند - ارائه نمود. نمونه آن مسئله تنزیه الأنبياء است. وی آیات موجود در این مسئله را ذکر و محل شبهه را مشخص و به برخی از دیدگاه‌های تفسیری درباره آن اشاره نمود و در پایان با بررسی میدانی گسترده و تحلیل محتوایی، تأویل صحیح آن را ارائه داد؛ مثلاً در باره آیه «فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَ لِرِجَالِكَ فَلَا يُخْرِجُكَمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى» (طه/ ۱۱۷) که برای عدم عصمت آدم به آن استناد شده، گفته است: «فَتَشْقَى» افتادن در رنج و تعب و سختی است؛ یعنی آن خوشی و راحتی را از دست می‌دهد نه اینکه گرفتار شقاوت شود (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۴۱۵: ۳/ ۴۱۸-۴۲۵).

### چهار - واکاوی چرایی وجود آیات متشابه در قرآن

این پرسش که چرا همه آیات قرآن حکیم محکم نیست و آیا در صورت محکم بودن همه آیات، هدایت قرآن بهتر تأمین نمی‌شد، پاسخ‌های مختلفی به دنبال داشته است که از میان آنها پاسخ علامه طباطبایی و آیت الله معرفت راه‌گشا تر به نظر می‌رسد. علامه طباطبایی قرآن را کتابی محکم می‌داند، اما از آنجا که در قالب‌های لفظی برای فهم مردم نازل شده، بخشی از آن متشابه است. ایشان با استفاده از آیه «أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا» (رعد/ ۱۷)؛ می‌گوید: همان‌طور که آبی که از آسمان نازل می‌شود، هیچ تقییدی ندارد و بعد از جاری شدن روی زمین به تناسب محل خود به اندازه‌های گوناگون در می‌آید، معارف حقه و مصالح احکام نیز پیش از وارد شدن در قالب الفاظ دارای اطلاق است، اما وقتی که در ظرف الفاظ و عبارات

وارد می‌شود، دیگر آن بی‌قیدی را ندارد، بلکه شکل و اندازه قالب‌های لفظی را به خود می‌گیرد (طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۳/ ۶۱).

آیت‌الله معرفت که با این بیان علامه طباطبائی موافق است، می‌گوید: از وقوع تشابه در قرآن کریم که کتابی آسمانی و جاوید است، گریزی نیست؛ چون قرآن مفاهیم بلند را در سطح تعبیر قابل فهم مردم تنزل داد و مفاهیم جدید را که دور از درک جوامع بشری آن زمان بودند، در قالب همان واژه‌های رایج عرضه کرد و برای بیان معانی معرفتی و بلند خود به مجاز و انواع استعاره دست یازید یا آنها را با کنایه و اشارات ظریف بیان کرد. این کار هرچند مفاهیم قرآنی را به فهم عامه مردم نزدیک کرد، چون این الفاظ برای چنین مفاهیمی وضع نشده بود نمی‌توانست به طور کامل آن مفاهیم بلند را به مخاطبان منتقل کند؛ به همین دلیل مهم‌ترین عامل وقوع تشابه که همان تشابه ذاتی است، در تعبیرات قرآنی دیده می‌شود. پس تشابه ذاتی یعنی بلندای مفاهیم و کوتاهی الفاظ، امری کاملاً طبیعی است و راز تشابه بخشی از آیات قرآن کریم همین است. اما قرآن کریم در همین موارد هم انسان را سرگردان و متحیر نگذاشته است و با ارجاع به محکمت که اساس معارف و تعالیم قرآن است، راه حلی را نمایانده است.

اما بیشتر آیات متشابه قرآن از نوع عارضی‌اند یعنی در اصل نزول متشابه نبوده‌اند، اما تضارب آراء و نزاع‌هایی که عمدتاً در اواخر قرن اول وجود داشت و تا قرن سوم ادامه یافت، موجب به وجود آمدن این تشابه شد. صاحبان هر یک از آرای به دست‌های از آیات و روایات تمسک نمودند و آنها را براساس اندیشه خود تفسیر کردند. به تدریج مسائل شریعت دستخوش هواهای نفسانی و آرا و افکار شد و بخش مهمی از آیات روشن به متشابهاً تبدیل شد (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۴۱۵: ۳/ ۱۶-۲۷).

## نتیجه

۱۰۱

دیدگاه‌ها و روش‌های آیت الله معرفت در علوم قرآنی و تفسیر، تأثیری شگرف بر آینده مطالعات این عرصه دارد. بررسی آثار ایشان در دو بخش روشی و محتوایی نتایج ذیل را به دست می‌دهد:

الف) منهج علمی استاد معرفت به نوآوری‌هایی ممتاز است؛ از جمله: وسعت و عدم تعصب در مصادر مراجعه، بصیرت و سماحت با مخالفان از جمله مستشرقان، تلاش برای کشف اصل مشترک دیدگاه‌ها و ایجاد توفیق و پرهیز از شعبه‌پنداری و تفرق، استیعاب دیدگاه‌های مخالف، توجه حداکثری به ضرورت‌های علمی متأخر و معاصر و موضع‌گیری در برابر آنها، پیوند زدن میان علوم قرآنی و دانش‌های دیگر، عمومی کردن تفسیر و تدبر در قرآن و برخورد بصیرت‌محور در مواجهه با شبهه.

آیت الله معرفت در محتوای علوم قرآنی نیز برجستگی‌ها و نوآوری‌هایی داشت؛ از جمله:  
 ۱- در موضوع اعجاز قرآن، با پافشاری بر این ایده که «اعجاز قرآن باید حس شود نه اینکه بر آن استدلال شود»، کوشید با دقت در الفاظ و معانی آن از جنبه‌های گوناگون، امتیازات فرا بشری آن را برای همگان حسی کند.

۲- با بیان اینکه نزول قرآن به عنوان کتاب آسمانی سه سال بعد از آغاز وحی رسالی و بعثت پیامبر ﷺ که در بیست و هفتم ماه رجب، سیزده سال پیش از هجرت رخ داده بود، مسئله اختلاف بین تاریخ نزول سوره علق در ابتدای بعثت و نزول قرآن در شب قدر و در ماه رمضان را حل نمود.

۳- با ارائه تحلیل‌های عمیق، معضلات تاریخی مبحث وحی و جمع قرآن را حل نمود و تفاوت مصحف علی علیه السلام با سایر مصاحف را علاوه بر قرائت سنددار معتبر و ترتیب نزول، در آراستگی به شرح آیات و بیان آنها دانست.

۴- از عقل، نقل و تاریخ بر این ادعا که «تحریف به کاستی هرگز به قرآن راه نیافته است» دلیل و شاهد آورد و اتهام عقیده به تحریف به شیعه را رد کرد، نظر دانشمندان بارز مذهب را گرد آورد و اتهام را به سوی مقابل برگرداند. همچنین با سامان دادن روایات تحریف نشان داد روایتی که دال بر زیاده و نقیصه در متن قرآن باشد و معتبر نیز باشد، باقی نمی‌ماند.

۵- برخلاف حساسیتی که به مضبوط بودن قرائت قرآن و راه نیافتن خطا و تحریف به آن نشان داد، در مورد نگارش قرآن - به دلیل غیر وحیانی و بشری بودن و فراهم آمدن توسط افرادی نوسواد و خطی نپخته - به حدود هفت هزار خطا اقرار کرد و خود شمار فراوانی از موارد آن را گرد آورد.

۶- با تتبع و تدقیق در تمامی ایده‌های کهن و امروزی برای زبان قرآن، با دلایل روشن نشان داد که زبان قرآن زبان عرف عام است.

۷- درباره قصص قرآنی، تمامی آیات قرآن را واقع‌نمون دانست؛ بدین معنا که حتی در وراى تمثیل‌ها و قصه‌های آن واقعیتی موجود است.

۸- به لزوم گردآوری و پالایش و سامان‌دهی روایات تفسیری موجود در منابع شیعی و سنی تأکید و دلبستگی ویژه داشت و چنین می‌اندیشید که تمام مشکلاتی که ظاهراً گریبان‌گیر روایات تفسیری است، بسیار سطحی است و شایسته است با دقت و امعان نظر این روایات تنقیح شوند و مسلمانان از دریای عظیم روایات تفسیری در برداشت‌های قرآنی خود بی‌بهره نمانند.

۹- یکی از معانی تأویل را انتزاع مفهوم عام و گسترده از آیه‌ای دانست که در مورد خاصی نازل شده است. از این معنای تأویل، گاهی به «بطن» هم تعبیر شده است. وی تعبدی بودن بطون را نمی‌پذیرفت و دستیابی به تأویل آیات را با تکیه به شیوه‌های علمی برای اهل فن ممکن می‌دانست.

۱۰- با ارائه تعریفی دقیق از نسخ، شرایط آن را به دقت تبیین کرد و از این رهگذر این پدیده را تنها در شمار اندکی از آیات قرآن قابل بررسی دانست و در آن موارد هم با ارائه نظریه نسخ مشروط راه بر بسیاری از اشکالات بست. نیز با طرح فرضیه نسخ مشروط زمینه را برای انکار کلی نسخ در قرآن کریم فراهم کرد. همچنین در موضوع نسخ، مفهوم نسخ تمهیدی یا تدریجی را ابداع نمود.

۱۱- در مبحث محکم و متشابه با طرح تشابه عرضی و تفکیک آن از تشابه ذاتی و اصلی راه بر حل دشواری‌های بسیار گشود و نشان داد ریشه تشابه در بسیاری از آیات متشابه‌گون، دوری از عصر نزول و تطور واژگان و فرهنگ‌هاست.

۱۲- به مجموعه آیات، دسته‌ای دیگر با عنوان مبهمات را افزود و می‌گفت آیات مبهم نیاز به تفسیر دارند اما آیات متشابه نیازمند تأویلند و رابطه بین این دو دسته آیات، عموم و خصوص من وجه است. همچنین پژوهشی بسیار گسترده و جامع در بازکاوی مدلول‌های آیات متشابه و نقد دیدگاه‌های تفسیری فرق مختلف کلامی ارائه نمود.

۱۳- درباره چرایی وجود آیات متشابه در قرآن بیان نمود که معارف حقه و مصالح احکام نیز پیش از وارد شدن در قالب الفاظ دارای اطلاق است، اما وقتی که در ظرف الفاظ و عبارات وارد می شود دیگر آن بی قیدی را ندارد، بلکه شکل و اندازه قالب‌های لفظی را به خود می‌گیرد که این همان تشابه ذاتی است و راه حل آن ارجاع به محکّمات است. بیشتر آیات متشابه قرآن از نوع عارضی‌اند که در اصل نزول متشابه نبوده‌اند و در اثر تضارب آرا و نزاع‌های کلامی تشابه عرضی پدید آمد.



## پی‌نوشت‌ها

[۱] نوع فعالیت‌های قرآن پژوهانه‌ای که خارج از حوزه اسلام و توسط غیر مسلمانان انجام می‌شود.

[۲] یعنی مراد حقیقی خداوند که تنها به دست آوردن آن بعد از جست و جو و یأس از وجود قراین صارفه - از قبیل تخصیص یا تقييد یا مجاز - ممکن است، نه آنچه که به مجرد اطلاع داشتن از وضع، از ظاهر لفظ فهمیده می‌شود؛ از این رو پر واضح است که در نصوص شرعی نباید در تمسک به ظاهر پر کار برد، شتاب کرد، بلکه باید به جست و جوی کامل دست زد تا مراد حقیقی و راستین خداوند دانسته شود.

[۳] او در کتاب تفسیر و مفسران درباره تأویل چنین نوشته است: «تعبیرات قرآن دو گونه دلالت دارند: نخست اینکه وسیله تنزیل اند که عبارت است از آنچه از ظاهر تعبیر آیه به دست می‌آید، و دیگر وسیله تأویل اند که از باطن فحوای آیه به دست می‌آید؛ به گونه‌ای که مفهوم عام و تأویل قابل انطباق بر موارد مشابه در طول زمان، از درون آیه برگرفته شود» (معرفت، تفسیر و مفسران، ۱۳۷۹: ۱/ ۹۷).

[۴] مثلاً در مورد سه تفسیری که در مورد قول به صرفه بیان شده است می‌گوید: «آری قسمت دوم از تفسیر دوم، تا حدودی معقول به نظر می‌رسد و ظاهر کلام سیّد و برخی از بزرگان که بر این راه رفته‌اند همین است. در حقیقت تمامی امتیاز در ذات قرآن نهفته است که دیگران از مقابله با آن عاجزند، زیرا چنین امکاناتی از اختیار بشر بیرون است» (معرفت، علوم قرآنی، ۱۳۷۹: ۲۲۲).

### فهرست منابع

۱. ابوالفتوح، رازی، حسین بن علی، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱ش.
۲. معرفت، محمدهادی، *تاریخ قرآن*، تهران: سمت، ۱۳۷۵ش.
۳. معرفت، محمدهادی، *تفسیر و مفسران*، قم: مؤسسه فرهنگی التمهید، ۱۳۷۹ش.
۴. معرفت، محمدهادی، *زبان تاریخی قرآن نمادین یا واقع نمون*، پژوهشهای قرآنی، ش ۳۵-۳۶، سال نهم پاییز و زمستان ۱۳۸۲، صص ۱۸۲-۱۹۹.
۵. معرفت، محمدهادی، *علوم قرآنی*، تهران: سمت، ۱۳۷۹ش.
۶. معرفت، محمدهادی، *نسخ در قرآن*، فصلنامه بینات، ش ۴۴، سال یازدهم شماره ۴، زمستان ۸۳، صص ۹۹-۱۰۷.
۷. استرآبادی، محمد امین، *الفوائد المدنیة و بذیله الشواهد المکیة*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۲۶ق.
۸. طباطبائی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران: دارالکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۱۰. معرفت، محمدهادی، *تفسیر الأثری الجامع*، قم: مؤسسه فرهنگی التمهید، ۱۳۸۳ش.
۱۱. معرفت، محمدهادی، *تلخیص التمهید*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۷ق.
۱۲. معرفت، محمدهادی، *التمهید فی علوم القرآن*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
۱۳. معرفت، محمدهادی، *شبهات و ردود حول القرآن الکریم*، قم: مؤسسه فرهنگی التمهید، ۱۴۲۳ق.
۱۴. معرفت، محمدهادی، *صيانة القرآن من التحریف*، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹ش.